



گفتگوی نشریه فرهنگ پویا با جواد توکلی

پرتگاه اقتصاد، از روی ریل رانت

محسن مومنی

مقدمه

یکی از عواملی که موجب ناکارآمدی دستگاه اقتصادی نظام و حاکمیت می‌شود، انحصارطلبی و ویژه‌خواری است که اصطلاحاً آن را «رانت» و «رانت‌خواری» می‌گویند. رانت و رانت‌خواری اگرچه واژه‌های پرکاربردی هستند، با این حال بسیاری از افراد با تعریف، انواع و اثرات آن در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی آشنایی ندارند.

رانت در تعریف سنتی خود برگرفته از همان اقتصاد سنتی است که ابتدا در حوزه‌ی کشاورزی مطرح شد. قبل از فراگیر شدن صنعت در دنیا کشاورزی رونق فراوان داشت. از آن‌جا که تمام زمین‌ها باروری و حاصل‌خیزی یکسانی نداشتند و درآمدهای حاصل از آن‌ها نیز برابر نبود، زمین‌دارانی که زمین‌های باکیفیت‌تری داشتند، درآمد بیشتری کسب می‌کردند. این سود بیشتر ناشی از کار بیشتر زمین‌داران نبود، بلکه به مرغوبیت زمین‌های آن‌ها بر می‌گشت. این امتیاز را در ادبیات اقتصادی «رانت» نامیدند. لزوماً

در ابتدا رانت معنی منفی نداشت؛ اما با گذشت زمان و با جایگزین شدن اقتصاد مدرن به جای اقتصاد فئودالی (قرون وسطایی) رانت نیز تعریف سنتی خود را از دست داد و در تعریف جدید شامل هرگونه امتیاز انحصاری می‌شد که افراد یا نهادها به دست می‌آوردند.

با گذر زمان، تأثیرات مخرب رانت بر جامعه نیز هر روز بیشتر و بیشتر شد به گونه‌ای که تأثیرات آن تنها محدود به تبعات اقتصادی نمی‌شد، بلکه تبعات آن علاوه بر اقتصاد بر گسترش تورم، فقر، بی‌عدالتی، اختلاف طبقاتی و فساد باعث شد تا افراد خلاق جامعه و متخصصان دست از تولید بردارند؛ در نتیجه گسترش رانت نه‌تنها موجب افزایش بیکاری شد بلکه ده‌ها و صدها مشکل فرهنگی دیگر هم‌چون افسردگی، ناامیدی، میل به اشرافیگری، طلاق و... را برای جامعه به بار آورد. آثار سوء رانت‌خواری بر اقتصاد کشورها را اگر بخواهیم فهرست کنیم می‌توان به کاهش بهره‌وری و افزایش تورم، ایجاد فساد، افزایش بیکاری، گسترش فقر،

بیشتر اقتصاد ملی باشیم. از آن جایی که هدف انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی بر خاسته از مکتب و تفکر ناب اسلامی، برقراری عدالت و رساندن ملت‌ها به سعادت و جامعه‌ای الهی هست، انتظار می‌رود در عرصه‌ی اقتصاد این امر بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد تا با برقراری عدالت اقتصادی و مبارزه با فقر و فساد و تبعیض این امر مهم تحقق یابد؛ اما یکی از عواملی که در عرصه‌ی اقتصاد موجب ناکارآمدی دستگاه معیشتی و اقتصادی نظام اسلامی شده است، پدیده‌ای به نام «رانت» است که امروزه یکی از موانع اصلی در تحقق عدل و قسط می‌باشد. در این شماره بر آن شدیم تا با «دکتر محمد جواد توکلی»، عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، به صحبت بنشینیم تا با ابعاد جدیدی از رانت‌خواری و راهکارهای مبارزه با آن آشنا شویم.

فرهنگ پویا با سلام و ضمن عرض تقدیر و تشکر از این که فرصتی را در اختیار ما قرار دادید، موضوع این شماره‌ی نشریه‌ی فرهنگ پویا در مورد کارآمدی نظام است. یکی از موضوعاتی که این کارآمدی را زیر سوال برده بحث رانت است؛ بنابراین برای پرداختن به این موضوع ابتدا می‌خواستیم ببینیم جایگاه رانت در ساختار اقتصاد کنونی دنیا به چه شکل است؟

● ● **دکتر توکلی:** بنده هم خدمت شما عرض سلام و خدقوت دارم. وقتی ما راجع به کارآمدی انقلاب اسلامی و کارآمدی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بحث می‌کنیم، باید یک نگاه آسیب‌شناسانه داشته باشیم. به نظر من اگر خوب آسیب‌شناسی کنیم می‌بینیم که ما در ایجاد برخی ساختارها در اقتصادمان، خیلی موفق عمل نکرده‌ایم. شاید بهترین ساختاری که ایجاد کردیم، ساختار بانکداری بدون ربا بود که این هم شاید عملاً خیلی ساختار موفق نبوده است. در حوزه‌ی اقتصادی عمدتاً ما ساختارها را از غرب به عاریت گرفتیم و سعی کردیم ترمیمی روی این ساختارها داشته باشیم. اصلاحات نیم‌بندی در این ساختارها ایجاد کردیم و همان مشکلاتی که در اقتصادهای دیگر داشته است، همان‌ها هم عملاً به ما تحمیل شده است؛ مثلاً ما در ساختار سیاسی خود عملاً نظام دموکراتیک را قبول کردیم و آمدمیم نظام مجلس نمایندگان، قوه قضائیه و قوه مجریه را پذیرفتیم. علمای علم اقتصاد می‌گویند که نظام دموکراتیک در اقتصاد سیاسی جواب نمی‌دهد. «کنت ارو»، برنده جایزه نوبل اقتصاد، در ضمن بحث‌های بخش عمومی می‌گوید: «اگر تعداد آرا از دو نفر بیشتر شود؛ هیچ وقت بهینه از آن در نمی‌آید.» ما ساختار اقتصادی-سیاسی دموکراتیک را از غرب گرفتیم و مشکلات ناشی از ناکارآمدی اقتصاد سیاسی دموکراتیک به ما هم منتقل شد. نمونه‌ی واضح آن این است که وقتی ما یک برنامه‌ی توسعه می‌نویسیم یا لایحه‌ی بودجه تنظیم می‌کنیم، درگیر یک نوع لابی‌های سیاسی اقتصادی می‌شویم. نماینده‌ی راه‌یافته به مجلس باید هزینه‌های قبلی خود را تأمین کند، منافع الان خود را نیز تأمین کند و برای آینده هم طرحی داشته باشد تا دوباره رأی بیاورد. او مجبور می‌شود که با رئیس‌جمهور و وزرا لابی کند تا منابع را به سمت حوزه‌ی انتخابی خودش بکشد. این تلاش‌ها موجب ناکارآمدی برنامه‌ریزی‌ها و ائتلاف منابع می‌شود. این نظام اقتصاد سیاسی که ما به عاریه گرفتیم، مکانیسم تخصیص کار و عادلانه‌ی ندارد؛ عملاً امکانات در شهرهای بزرگ تجمیع می‌شود، امکانات عمدتاً به شهرهایی می‌رسد

افزایش انحصارطلبی در جامعه، از بین رفتن خلاقیت در جوانان، حذف وجدان کاری، دو قطبی شدن جامعه و تقسیم نامناسب درآمدها و در نهایت توسعه فقر و محرومیت و بروز فساد گسترده و فروپاشی نظام سیاسی - اجتماعی حکومت‌ها را می‌توان اشاره کرد. در نهایت اگر بخواهیم اثرات سوء رانت را در یک جمله بیاوریم باید بگوییم: هر چه رانت‌خواری بیشتر، حرکت جامعه به سمت فروپاشی جامعه سریع‌تر!

اما نکته‌ی قابل توجه این‌جاست که هنگامی که صحبت از رانت می‌شود، برخی گمان می‌کنند رانت فقط در حوزه‌ی مسائل اقتصادی است؛ اما غافل از اینکه رانت در حوزه‌های متعددی ریشه دوانده و فراگیر شده است. امروزه رانت سیاسی به معنی دستیابی به منافع با عضویت در یک حزب یا تشکیلات سیاسی، بسیار مهم است. نمایندگان مجلس، وزرا، استانداران و سایر مسئولان می‌توانند با موقعیت و جایگاه سیاسی خود، به منافع و امتیازاتی برسند. علاوه بر رانت سیاسی، افرادی هستند که با در اختیار داشتن اطلاعات؛ یعنی دستیابی انحصاری به اطلاعات بازار، زمین، سکه، ارز، و... در عرض یک شب می‌توانند به منافع و ثروت‌های عجیبی دست یابند. رانت آموزشی نیز یکی دیگر از انواع رانت است که موجب کسب مدارک علمی بدون شرکت در



آزمون‌های سراسری می‌شود و در نتیجه ارائه‌ی مدرک تخصصی به افراد غیر متخصص را به همراه دارد که خود به تنهایی می‌تواند عامل مهم ناکارآمدی هر حکومتی باشد.

رانت اجتماعی نیز جزء مواردی است که مورد سوء استفاده برخی قرار می‌گیرد؛ یعنی افرادی با دستیابی به یک موقعیت شغلی مناسب به دلیل داشتن رابطه‌ی خویشاوندی یا دوستی با یک مدیر دولتی به ثروت‌ها و سرمایه‌های فراوانی می‌رسند.

اما آن چه از نظر اقتصاددانان مخصوصاً از نیمه‌ی دوم قرن بیستم به بعد، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل و علل ایجاد رانت مطرح است، مداخله‌ی دولت در اقتصاد است. دولت به عنوان مجموع نهادها و سازمان‌های گسترده‌ی ملی و با در دست داشتن بودجه و امکانات عظیم کشور به محلی برای بسیاری از بازی‌های رانتی و پولی تبدیل شده است.

امید است با شناخت عوامل ایجاد رانت و تبیین راهکارهای عملیاتی برخورد و مبارزه با این پدیده‌ی شوم، بتوان مسیر را برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هموار کرد تا شاهد رشد و بالندگی هر چه

همگان نیست که این قسمت منفی آن از اینجا می آید که رانت در واقع نوعی امتیاز انحصاری برای فرد است که ممکن است این امتیازات انحصاری ناشی از اطلاعات انحصاری شما باشد؛ مثلاً شما می دانید که قرار است نرخ ارز گران شود، پس ثروت خود را برمی داری همه را تبدیل به ارز می کنی. این می شود رانت اطلاعاتی؛ یعنی شما با داشتن اطلاعات خاص می توانی درآمدی را کسب کنی. یا شما به عنوان نماینده مجلس رانت سیاسی داری؛ یعنی شما با این قدرت سیاسی می توانی برخی منابع را جذب کنی. ثروت هم خودش یک نوع رانت ایجاد می کند؛ وقتی من می دانم که قیمت دلار می خواهد افزایش پیدا کند؛ ولی هیچ پولی در بساط خود ندارم؛ این دانستن من خیلی به من کمک نمی کند. وقتی این رانت اطلاعات به من کمک می کند که در کنارش از رانت ثروت هم برخوردار باشم. وقتی رانت ثروت با رانت اطلاعات ترکیب شود، ارزش مادی پیدا می کند. گاهی اوقات بحث رانت اجتماعی را مطرح می کنند؛ مثلاً موقعیت شغلی شما به گونه ای است که شما با رئیس بانک خویشاوندی و دوستی داری. این رانت خویشاوندی باعث می شود شما بتوانی تسهیلات ارزان قیمت بگیری یا به تسهیلات برسی. پس رانت به مفهوم دستیابی به درآمد حاصل از یک موقعیت انحصاری است که برای فرد ایجاد می شود. منشأ این موقعیت انحصاری متفاوت است، ممکن است به سبب در اختیار داشتن اطلاعات خاصی ایجاد شود، ممکن است با پشتوانه ی ثروت فرد ایجاد شود، ممکن است با موقعیت اجتماعی یا موقعیت سیاسی ایجاد شود یا ممکن است همه ی این ها با هم دست به دست هم دهند و بتواند یک نوع مزیتی برای فرد ایجاد کند.

فرهنگ پویا منشأ رانت تا چه حد خود افراد هستند؟ نقش دولت ها در این میان چیست؟

●● آن نکته ای که من ابتدا با آن شروع کردم این بود که ما راجع به ساختارها خیلی فکر نکردیم. اندیشمندان اقتصاد از نیمه ی دوم قرن بیستم، یک ایده هایی را مطرح کردند و گفتند که اصلاً منشأ رانت خود افراد نیستند، منشأ رانت مداخله ی دولت است؛ یعنی چون دولت دارد نظم بازار را دست کاری می کند، این فضای بروکراتیک (اداری) برای یک عده ای قدرت انحصاری دارد ایجاد می کند. این نظریه به شدت اکنون در ادبیات اقتصاد سیاسی و اقتصاد بخش عمومی رایج است. علت آن هم این است که عمده ی سرمشق غالب در اقتصاد، اقتصاد سرمایه داری است؛ یعنی این ها می گویند: اگر هر چیزی را شما به بازار بسپاری، خود بازار هم کارآمد است و هم عادلانه عمل می کند؛ یعنی ساختار بازار با بهره مندی از دست

که نماینده یا نمایندگانش لابی گری خیلی خوبی داشته باشند. نظام اقتصاد سیاسی دموکراتیک، خودش باعث ایجاد زمینه ی رانت می شود. حالا اگر شما بپذیرید دو نظام داریم؛ یک نظامی که دارد قدرت را توزیع می کند و یک نظامی که دارد ثروت را توزیع می کند، وقتی این دو نظام به هم می رسند در صحنه ی اجرا هزارتا مفسده از آن درمی آید که یکی از مفسده های آن مفسده رانت است.

فرهنگ پویا اگر ممکن است سابقه و تاریخچه ی رانت را مختصر توضیح دهید.

●● سابقه ی بحث رانت به دوره های اقتصاد کلاسیک برمی گردد؛ یعنی دوره ی «آدام اسمیت و ریکاردو» در قرن هیجده میلادی. ریکاردو مفهوم رانت را در ارتباط با زمین در اقتصاد فئودالی مطرح کرد. مفهوم آن هم این است که در اقتصاد معیشتی وقتی مردم دارند زمین ها را کشت می کنند، ابتدا زمین هیچ بهایی ندارد و شما می روی این جا زمین را کشت می کنی و محصول آن را استفاده می کنی. کم کم که جمعیت زیاد شد، شما احساس می کنی باید زمین های بیشتری را زیر کشت ببری. وقتی سراغ زمین بیشتر می روی می بینی یکسری زمین ها دم دست و مرغوب است شما مجبور می شوی سراغ زمین های یک مقدار پست تر بروی. بعد این زمین های مرغوب ارزش پیدا می کند. این جا یک مفهومی پیدا می شود به نام رانت که در انگلیسی همان اجاره هست که به همان رانت مرغوبیت مرتبط می شود؛ یعنی چون این زمین مرغوبیت پیدا کرده افراد حاضرند برای آن پول پرداخت کنند. درواقع کاری روی زمین نشده فقط اتفاقی که افتاده جمعیت زیاد شده و تقاضا برای محصولات کشاورزی زیاد شده است. شبیه چیزی که در شهرهای ما هم امروز دارد اتفاق می افتد. شما داشتی روی این زمین، کشاورزی می کردی یک دفعه این زمین شما وسط شهر افتاد و یک موقعیت ویژه ای پیدا کرد. اکنون با توجه به تقاضایی که برای زمین و ساختمان هست قیمت آن زمین بالا می رود.

فرهنگ پویا از همین جا می توانیم رانت را تعریف کنیم؟

●● بله، ما وقتی می خواهیم رانت را تعریف کنیم یک مقدار مفهوم منفی به آن می دهیم یعنی داریم یک برچسب منفی به آن می زنیم در حالی که ظهور آن در اقتصاد این گونه نبوده یعنی وقتی بحث رانت را مطرح می کردند می گفتند بالاخره یک موقعیت ویژه ای اتفاق می افتد؛ ولی آن که بعدها در ادبیات اقتصاد سیاسی مطرح شد این بود که رانت؛ یعنی درآمدی که شما از فرصت ها و موقعیت های برتری به دست می آوری که گاهی موقع این موقعیت ها موقعیت انحصاری است؛ یعنی در اختیار

رانت به مفهوم دستیابی
 به درآمد حاصل از
 یک موقعیت انحصاری
 است که برای فرد
 ایجاد می شود. منشأ
 این موقعیت انحصاری
 متفاوت است، ممکن
 است به سبب در اختیار
 داشتن اطلاعات خاصی
 ایجاد شود، ممکن است
 با پشتوانه ی ثروت فرد
 ایجاد شود، ممکن است
 با موقعیت اجتماعی یا
 موقعیت سیاسی ایجاد
 شود یا ممکن است
 همه ی این ها با هم
 دست به دست هم
 دهند و بتواند یک نوع
 مزیتی برای فرد ایجاد
 کند.

می‌فرماید: «منشأ استحقاق یا کار است یا نیاز است.» یعنی یا شما کار کردی و داری نان کار خودت را می‌خوری یا یک آدم معلولی هستی که توان نداری و جامعه‌ی اسلامی برای حفظ کرامت خود به شما کمک می‌کند. اگر اتفاقی افتاد و زمین کشاورز در وسط شهر افتاد، قیمت هر متر زمین او یک دفعه از صدهزار تومان به یک میلیون تومان رسید؛ حال طبق نظریه‌ی عدالت در اقتصاد اسلامی چقدر از این پول حق اوست؟ ما یک قاعده‌ی فقهی داریم به نام قاعده‌ی ثبات مالکیت «و الثمائمات تابعة للأصل» که می‌گوید وقتی شما گوسفندی خریدی و گوسفند بچه زایید، بچه‌ی آن برای شماست؛ زیرا این نما تابع اصل است. این آقا مالک زمین بوده و این زمین در قالب توسعه‌ی شهری یک نموی پیدا کرده، او هم غیر از خریداری زمین هیچ کار اضافی انجام نداده است. حالا سوال این است که ایشان چقدر نسبت به این درآمد مازاد استحقاق دارد؟ این جا به نظرم یکی از بحث‌های نظریه پردازی اقتصاد اسلامی است؛ مثلاً راجع به درآمد پزشکان مطرح می‌شود که در کشور ما شاید نسبت به همهی کشورهای، متخصص‌های ما درآمدهای خیلی بالایی دارند. کشورهای دیگر می‌گویند اگر درآمد فرد از یک حدی بالاتر است به صورت تصاعدی از او مالیات می‌گیرند.

در مجموع این چنین اتفاقاتی مانند بالا رفتن قیمت زمین بدون این که کاری انجام گرفته باشد، زمینه را برای درآمدهای بادآورده ایجاد می‌کند. حال آیا ما باید بخشی از این درآمد را از فرد پس بگیریم؟ آیا باید از او مالیات بگیریم؟ اینجا دقیقاً به نظرم مباحث نظام یافته وجود دارد؛ چون این موارد را نه در قانونمان خوب تعریف کرده‌ایم و نه در موردش ساختارسازی کردیم؛ مشخص نیست که تکلیف قوه‌ی قضائیه در این موارد دقیقاً چیست. شفافیت اطلاعاتی نیز ایجاد نکردیم؛ یعنی دقیقاً ما اکنون نمی‌دانیم چه کسی در اقتصاد دارد چه کار می‌کند و کجاست؛ خیلی از کشورها این مشکل را حل کردند. حالا من یک نمونه‌ای را عرض کنم؛ مثلاً در کشور هلند شما اگر به یک شهری وارد می‌شوی حالا چه خارجی باشی چه اهل آن شهر باشی، باید بروی در شهرداری ثبت‌نام کنی؛ یعنی باید بروی در شهرداری بگویی که من این کسی هستم که فلان‌جا دارم زندگی می‌کنم و تمام اطلاعات خود را هم بدهی. اگر شما از شهر الف به شهر ب رفتی باید به شهرداری شهر ب بروی و بگویی که من اکنون آمده‌ام این‌جا دارم زندگی می‌کنم؛ به همین دلیل آن‌جا خیلی از کارها با پست انجام می‌شود؛ یعنی شما؛ مثلاً احیاناً مرتکب خلاف رانندگی شده‌ای، جریمه‌ی آن با پست در خانه‌ی شما می‌آید. من خودم آن‌جا که بودم تجربه کردم. در برخی ادارات آن‌جا شما وقتی زنگ می‌زنی قبل از اینکه از شما بپرسند، اسم شما چیست؟ می‌گفتند: کدپستی شما چیست؟ یعنی تشخیص فرد به کدپستی اوست، به محل سکونت اوست. حتی آن‌جا صندوق پستی خرید و فروش می‌شود؛ چون اگر شما صندوق پستی نداشته باشی اصلاً انگار هویت وجودی نداری. حالا این‌ها را مثال زدم تا بحث ساختاری آن‌جا را بگویم. آن‌جا هر کسی یک حساب بانکی بیشتر ندارد یا یک کارت. بعد آمدند در نظام مالیاتی خود تعریف کردند گفتند که؛ مثلاً در نظام آن‌ها این‌گونه بود یک اداره‌ی داشتند اداره‌ی یارانه و مالیات. حالا بحث نظام‌بندی این هم خیلی جالب است ما در ایران مالیات را وزارت اقتصاد می‌گیرد اما یارانه را وزارت رفاه می‌دهد. خود این یک درز اطلاعاتی ایجاد می‌کند. آنها مجموعه را به

نامرئی بازار، منابع را کارا و عادلانه تخصیص می‌دهد. در این فضا معمولاً ادعای آن‌ها این است که یک نوع شفافیت اطلاعاتی وجود دارد که با وجود آن رانت اطلاعاتی وجود ندارد و هر کسی هر توانی از آن استفاده می‌کند؛ ولی این که تصور شود بازار، بازار رقابت کامل است و آدم‌ها هم‌سنگ هم هستند و به صورت هم‌شکل وارد بازار می‌شوند؛ عملاً در خارج اتفاق نمی‌افتد. چون توانایی آدم‌ها مختلف است، نوسانات مختلف ممکن است اتفاق بیفتد و آدم‌ها را جابجا کند؛ مثلاً یک بحران اقتصادی اتفاق می‌افتد، یک عده‌ای ورشکست می‌شوند و یک عده‌ای ثروت‌های زیادی کسب می‌کنند. تنش در نظام اقتصاد سرمایه‌داری وجود دارد چون یک اقتصادی است که خیلی مغز متفکری ندارد که قضاوت بکند که شما حالا ورشکست شدی حق با تو بوده یا نبوده؟ اکنون؛ مثلاً شما دلار خریدی یک دفعه دولت شب اعلام کرده که دلار تک نرخی شد! نرخ آن پنج‌هزار و دویست بود. شما دیروز خریدی پنج‌هزار و هشتصد. اکنون یک دفعه چهار هزار و دویست شده. منطق بازار می‌گوید که تقصیر خودت است؛ شما خطر کردی حالا گاهی سود می‌کنی، گاهی هم ضرر می‌کنی!



فرهنگ پویا | پدیده‌ی رانت چه ارتباطی با اقتصاد اسلامی دارد؟

● البته به نظر من، ما در نظریه‌ی بحث رانت در اقتصاد اسلامی هنوز مقداری دچار ابهام هستیم. این‌را این‌گونه مثال بزنم شما اکنون فرض کنید که یک کشاورزی هستی اطراف قم یک زمین کشاورزی دارید، شهر قم دارد گسترش پیدا می‌کند، زمین کشاورزی شما را شاید متری صدهزار تومان هم از شما نمی‌خریند؛ اما شهر دارد گسترش پیدا می‌کند، یک دفعه زمین شما داخل محدوده شهر می‌افتد، ناگهان شما صاحب پول زیادی می‌شوید. این‌جا رانت یعنی موقعیت انحصاری (که شما هم در آن اصلاً دخیل نبودی) محقق می‌شود.

نکته‌ای که در تعریف رانت بیان می‌کنند، این است که بعضی‌ها می‌گویند رانت درآمدی است که بدون تلاش به دست آمده؛ یعنی شما هیچ کاری نکردی ولی دارای سرمایه فراوان شدی. حالا سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این درآمدی که قطعاً حاصل تلاش و زحمت این فرد نیست، حلال است؟ تکلیف آن چه می‌شود؟ «شهید صدر رحمته» نظریه‌ای دارد به نام «نظریه‌ی عدالت» که در آن‌جا

بوده‌ی کارشناسی شده ایجاد می‌شود؛ ولی یک مشکل دیگر ایجاد می‌کند که هنوز هم در اقتصاد غرب این مشکل هست و این است که این حزب برای تأمین مالی خود باید سراغ قله‌های ثروت؛ مثلاً سراغ شرکت‌های بزرگ و چند ملیتی برود. آن وقت ثروتمندان منافع خودشان را از کانال احزاب به نماینده‌ها تحمیل می‌کنند.

فرهنگ پویا در واقع رانت تخصصی‌تری شود.

●● بله، اکنون در آمریکا این کار را صنایع بزرگ نظامی دارند انجام می‌دهند؛ یعنی آن‌ها نمی‌گذارند که مثلاً قانون ممنوعیت اسلحه تصویب شود؛ چون منافع آن‌ها در ساخت و فروش سلاح است. آن‌ها حتی مقامات سیاسی را وادار می‌کنند که جنگ راه بیندازند تا منافعشان بیشتر تأمین شود.

فرهنگ پویا راه حل آن چیست؟

●● حضرت علامه مصباح (حفظه الله) در کتاب نظریه‌ی سیاسی اسلام، پیشنهاد مجلس متخصصان را مطرح کردند که بسیار مناسب‌تر از مجلس کنونی است. اگر در ساختار اقتصاد سیاسی ما، یک مجلس متخصصان بود، خیلی بهتر کار می‌کرد از یک مجلس عوامی که ما داریم؛ یعنی شما اکنون اگر نگاه کنید می‌بینید برخی نمایندگان گاهی اوقات اصلاً ماده قانونی را هم نمی‌دانند چیست که بخواهند راجع به آن اظهار نظر کنند این جاست که می‌گوییم خود این ساختار، تولید رانت می‌کند. خودش ناکارآمدی ایجاد می‌کند، فساد ایجاد می‌کند. یک چنین مجموعه‌ای معمولاً کند است.

فرهنگ پویا پیشنهاد متفکران اسلامی درباره‌ی اصلاح ساختارها چیست؟

●● گریزی به بحث اقتصاد اسلامی «شهید صدر» در کتاب «اقتصادنا» بزنم. ایشان یک نظریه‌ی توزیعی دارد. نظریه‌ی توزیعی اسلامی را به سه بخش تقسیم می‌کند: نظریه‌ی توزیع قبل از تولید، نظریه‌ی توزیع بعد از تولید و نظریه‌ی بازتوزیع درآمد. بعد یک تحلیلی هم ایشان روی توازن دارد می‌گوید: «در اقتصاد توازن باید بالانس باشد تا یک دفعه «کی لایکون دوله بین الاغنیاء» اتفاق نیفتد، تا دچار فاصله‌ی طبقاتی نشویم.» می‌گوید: «شما در تقسیم ثروت‌های عمومی، که کسی روی آن کار نکرده، باید یک نظام عادلانه‌ای داشته باشید؛ مثلاً چه کسی گفته که باید من ساحل شمال را به فلان بانک واگذار کنم تا ویلا بسازد؟» این‌جا سوال مطرح می‌شود که چگونه باید توزیع پیش از تولید انجام داد؟ بعد که واگذار کردی حالا بحث این است که درآمد حاصل از این تولید را چگونه بین عوامل تولید توزیع کنیم؟ بعد که توزیع کردیم حالا باید بگوییم از چه کسی چقدر مالیات

گونه‌ای طراحی کردند که شفاف باشد، اطلاعات داشته باشد که آدم‌ها کجا هستند، این شفافیت در اطلاعات ما نیست. بعد دقیقاً دارند شاخص‌بندی می‌کنند یعنی تعریف می‌کنند که شما چقدر استحقاق داری و چقدر باید مالیات بدهی. آن‌ها یک ضرب‌المثلی دارند می‌گویند: از دو چیز نمی‌شود فرار کرد یکی از مرگ و یکی هم از مالیات! حالا ببینید ما در نظام خودمان عدم شفافیت‌ها و این که دقیقاً مشخص نیست چه کسی، چه کار می‌کند و درآمد او ناشی از چیست؟ احساس من این است که ما در خصوص رانت مشکلات ساختاری و جدی داریم.

فرهنگ پویا در واقع منشأ آن نظام اقتصادی لیبرالی است که تقلید کرده‌ایم و به صورت ناقص آورده‌ایم این‌جا و پذیرفته‌ایم.

●● بله درست است و حتی کامل هم آن‌را نیاورده‌ایم. ما به دلیل الگویی که از غرب آوردیم، این نرم‌افزاری که آوردیم، ویروسی بوده، ویروس آن به اقتصاد ما هم سرایت کرده است. البته یک مقدار هم مشکلات ذاتی خودمان است؛ از جمله بحث مشکل اقتصاد نفتی و مونتاژی که ما بعد از اواخر صفویه و در قاجاریه و پهلوی این مشکل اقتصاد نفتی و مونتاژی عملاً در اقتصاد ایران ایجاد شد. ما این‌را بعد از انقلاب به ارث بردیم و این خیلی مشکلات برایمان ایجاد کرد. از جمله در بحث رانت؛ یعنی رانت‌هایی که در اقتصاد ایران تولید شده یک منشأ آن، منشأ نرم‌افزار وارداتی است که ما وارد کردیم و یک منشأ آن هم منشأ مشکلات ساختاری خودمان همانند اقتصاد دولتی که ناشی از اقتصاد نفتی و مونتاژی و عدم شفافیت است. رانت از همه‌ی این‌ها ناشی می‌شود، از همان نظام اقتصادی عاریتی که داریم البته آن‌ها برای خودشان یک راه حل‌هایی را دارند که این راه‌حل‌ها را دیگر به کار نگره‌تیم.

فرهنگ پویا در سایر ساختارها چگونه عمل کرده‌اند؟

●● برای سایر ساختارها متفکران غربی گفتند که؛ مثلاً این اقتصاد سیاسی به صورت دموکراتیک فایده ندارد. راه‌حل آن‌ها تشکیل حزب بود. گفتند که ما حزب تشکیل می‌دهیم، شما که نماینده‌ی فلان شهر هستی عضو این حزب هستی. این حزب یک بدنه‌ی کارشناسی دارد. این بدنه‌ی کارشناسی بلند مدت فکر می‌کند و دقیقاً کارشناسی می‌کند. وقتی شما وارد مجلس می‌شوی دیگر رأی خودت را نمی‌دهی، رأی بدنه‌ی حزب را می‌دهی. این الگو یک خوبی دارد، یک بدی. خوبی آن این است که مشکل نوسان اقتصاد سیاسی لیبرال یا دموکراتیک را تا حدودی حل می‌کند. شما دیگر بر اساس منافع شخصی خودت رأی نمی‌دهی. پس برنامه و

حضرت علامه مصباح

در کتاب نظریه‌ی

سیاسی اسلام، پیشنهاد

مجلس متخصصان را

مطرح کردند که بسیار

مناسب‌تر از مجلس

کنونی است. اگر در

ساختار اقتصاد سیاسی ما،

یک مجلس متخصصان

بود، خیلی بهتر کار

می‌کرد از یک مجلس

عوامی که ما داریم؛

یعنی شما اکنون اگر

نگاه کنید می‌بینید

برخی نمایندگان گاهی

اوقات اصلاً ماده قانونی

را هم نمی‌دانند چیست

که بخواهند راجع به

آن اظهار نظر کنند. این

جاست که می‌گوییم

خود این ساختار، تولید

رانت می‌کند. خودش

ناکارآمدی ایجاد

می‌کند، فساد ایجاد

می‌کند. یک چنین

مجموعه‌ای معمولاً کند

است.

همه را در بازار بفروش بعد روزانه برو خرید کن آن هم نصف گندم و نصف جو! امام صادق (ع) دارد یک الگو می‌دهد، می‌خواهد فرهنگ سازی کند.

یک نخله‌ای در اقتصاد است که نام آن را اقتصاددان‌های نهادی می‌گویند. ادعای آنها این است که رفتار ما از سه لایه‌ی نهادی تأثیر می‌پذیرد، لایه‌ی بالای آن فرهنگ است، لایه‌ی بعدی آن قانون است و لایه‌ی سوم آن هم ساختارهای حکمرانی است؛ یعنی شما ممکن است بخواهی خوب هم عمل کنی ولی فرهنگ غالب نمی‌گذارد؛ مثلاً شما می‌خواهی عروسی ساده بگیری ولی می‌بینی که فشار فرهنگ اجتماعی شما را مجبور می‌کند فلان تالار را بگیری و چند نوع غذا بدهی یا ساختار قانونی مانع شما هست؛ مثلاً شما می‌روی کسب و کاری راه بیندازی، می‌بینی که باید مجوز از فلان اداره و فلان اداره بگیری آن‌جا هم احیاناً دارند رشوه می‌گیرند شما چاره‌ای نداری که بیایی یک کارهایی انجام دهی که اصلاً مورد رضایت شما هم نیست.

عرض من این است که ما باید بفهمیم مشکلات از کجاست، بعد بیاییم این‌ها را نهادسازی کنیم؛ یعنی اگر در بازار دارن رانت ایجاد می‌شود یا در بانک رانت ایجاد می‌شود، چاره آن است که سراغ نهادهای فرهنگ ساز برویم.

اکنون ما باید فکر کنیم نظام مالیاتی را چگونه طراحی کنیم که آن جنبه‌ی تربیتی را که اسلام سعی کرده در نظام مالیاتی خود بگذارد حفظ شود. این‌جا نیاز به کار دارد. باید شما فکر کنی و ببینی که آیا این نظام باید اجباری باشد یا نباشد، نظام خمس را به صورت داوطلبانه حفظ کنیم یا نکنیم، و...

فرهنگ پویا شاید یکی از نقاط قوت غرب مجموعه‌ی نظارتی قوی آن است؟

● ● البته فقط بحث نظارت نیست. من معتقدم آن‌ها در بحث فرهنگ سازی هم خوب کار کردند. یعنی از پایه دارند می‌آیند در کتاب‌های درسی خود کار می‌کنند. این‌ها دقیقاً الگو دارند که؛ مثلاً بیست مفهوم اقتصادی را بیرون کشیده‌اند و می‌گویند: «فلان مفهوم را شما باید در پیش‌دستانی بگویی، بعد باید در ابتدایی این را باز تکرار کنی، در دوره‌ی دبیرستان باید آن را تحکیم کنی.» می‌گویند: «بچه باید بداند پس انداز چیست تا تمایل به پس انداز داشته باشد. مهارت پس انداز را هم داشته باشد.» مثلاً می‌گویند: «در باره‌ی مفهوم پس انداز، یک بخش آن را در کتاب تاریخ و یک بخش دیگر را در کتاب جغرافیا می‌آوریم. این می‌شود آموزش هدفمند!»

این بچه از اول دارد با این مفاهیم بار می‌آید، به قول جامعه شناس‌ها از این طریق سعی کردند بعضی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را درونی کنند یعنی شما از ابتدا داری به بچه می‌گویی مالیات را باید بدهی. مالیات این‌گونه هست. بعد پشت بند آن یک نظام قانونی هم این را پشتیبانی می‌کند. این چنین است که می‌گوییم غرب نظام سرمایه داری را پذیرفته یعنی توانسته در جامعه نهادینه کند.

فرهنگ پویا با تشرکاز وقتی که برای ما گذاشتید.

● ● خواهش می‌کنم، موفق باشید.

بگیریم؟ چقدر خمس بگیریم؟ چقدر زکات بگیریم؟ و بعد به چه کسی پرداخت کنیم؟ شهید صدر این مطلب را حدود شصت سال پیش مطرح کرد؛ ولی متأسفانه من رصده‌ی که در ادبیات اقتصاد اسلامی کردم دیدم که ما خیلی هم این را جلو نبردیم و دقیقاً مصادیق آن را تعریف نکردیم. راجع به زمین‌های عمومی هم ایشان می‌گوید: «که مالکیت این زمین‌ها منتقل نمی‌شود. ما فقط می‌توانیم حق انتفاع آن را منتقل کنیم.» در نظام کشاورزی چین در دهه‌ی (۱۹۶۰) اتفاقی افتاد که به آن معجزه‌ی کشاورزی چین می‌گویند که طی آن محصولات کشاورزی چین تقریباً چهار برابر شد. قبلاً زمین‌های کشاورزی چین به صورت اشتراکی بود. زمین بود و جمعی کار می‌کردند. این‌ها در اصلاحاتی که انجام دادند به جای این که مالکیت زمین را واگذار کنند، مالکیت را دولتی حفظ کردند و مدیریت این زمین‌ها را به کشاورزان واگذار کردند. راندمان کار چهار برابر شد. حالا من این را با تجربه‌ی خودمان مقایسه می‌کنم. ما در دوره‌ی آقای هاشمی در بحث خصوصی‌سازی که از آن موقع شروع شد؛ مثلاً کارخانه‌ی نساجی بهشهر را به بخش خصوصی واگذار کردیم. مالکیت آن‌ها هم منتقل کردیم. بعداً آن‌ها به بهانه‌ی تعدیل نیرو، نیروهای خود را مرخص کردند؛ سپس تجهیزات آن را به بهانه‌ی تعمیر به تهران فرستاده و فروختند و بعداً زمین آن را تقسیم کردند و فروختند. این‌ها را ماشاءالله در خصوصی‌سازی ما اتفاق افتاده است.

اگر شهید صدر می‌گوید که شماره‌ی عنوان یک منبع عمومی باید مالکیت این زمین را حفظ کنی؛ یعنی کافی بود ما در واگذاری این زمین‌ها، این کار را می‌کردیم. به جای این که مالکیت این کارخانه را واگذار کنیم، مدیریت آن را واگذار می‌کردیم. اگر مالکیت را حفظ کرده بودیم حداقل جلوی رانت زمین را گرفته بودیم؛

مثلاً شهید صدر وقتی این بحث را مطرح می‌کند که هر کسی یک زمین را احیا کند برای اوست؛ می‌گوید: «قدیم این زمین را با دست شخم می‌زده و می‌کاشتند؛ ولی حالا با یک تراکتور مقدار زیادی زمین را شخم می‌زنند.» ایشان می‌گوید: «این‌جا دیگر آن اوضاع قبلی نیست.» حالا شهید صدر با توجه به بحث «منطقه‌ی الفراغ» می‌گوید حاکم اسلامی می‌تواند یک ضوابط خاصی بگذارد، تفسیر خاصی کند و خط قرمز بگذارد.

پس به نظر من ما باید یک مقداری نهادهای خود را بازمهندسی و بازطراحی کنیم؛ مثلاً آیا نهادی که می‌خواهد در بازار اخلاق را ترویج کند کجاست؟ رسانه‌ی ملی است؟ شورای اصناف است؟

فرهنگ پویا یعنی برای اقتصاد کار فرهنگی کنیم؟

● ● یکی از مشکلات ما قطعاً بحث فرهنگی است که باید این را هم حل کنیم. ما دنبال این پیشنهاد بودیم که برای اصناف دوره‌های اخلاق کسب و کار بگذاریم، اخلاق حرفه‌ای بگذاریم تا آنها مجبور باشند برای اخذ مجوز، در دوره‌ها شرکت کنند؛ چیزی شبیه کاری که برای فرهنگیان می‌کنیم که هر سال در کلاس‌های ضمن خدمت شرکت می‌کنند، ما این کارها را انجام ندادیم. در روایات هم داریم که امام صادق (ع) در آن ماجرای قحطی مدینه از خدمتکار خود پرسیدند: چقدر گندم در انبار داریم؟ پیشکار ایشان می‌گوید: «به اندازه‌ی یک سال.» امام صادق (ع) می‌فرماید: «برو